



بحرانی از جنس تهدید امنیت ملی

چطور دولت به صندوق‌ها بدهکار شد؟

۴۴

صندوق‌های بازنشتی پس از چند دهه سیاست‌های اشتباه دولت‌ها و مدیریت صندوق‌ها، با بحران مواجه شده‌اند و توانایی پرداخت مستمری بازنشتی افراد تحت پوشش خود را نیز از دست داده‌اند. دولت نیز با پرداخت کسری آنها با برداشت از بودجه عمومی در کنار بدهی‌های خود به سیستم بانکی، پیمانکاران و بانک مرکزی، با مشکل بزرگی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در این خصوص گفت‌وگویی با محمد ماشین‌چیان، پژوهشگر اقتصادی، داشتیم تا ابعاد مختلف این مشکل را بررسی کنیم.

❧ به صورت کلی وضعیت صندوق‌های بازنشتی را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید و راه حل رفع مشکلات بدهی دولت به صندوق‌ها را چه می‌دانید؟

کسری مالی صندوق‌های بازنشتی همچنان که دولت در آخرین برنامه پنج‌ساله خود آن را به‌درستی در رده سه تهدید بزرگ کشور شناسایی کرده، در صورت علاج‌نشدن به یک بحران بزرگ مالی با هزینه‌های گزاف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی منجر خواهد شد. شواهد تجربی گویای وجود یک رابطه وثیق بین وقوع بحران‌های مالی و اوج‌گیری گفتمان‌های افراط‌گرا در عرصه سیاسی است. قدرت‌گیری راست افراطی در اروپای امروز شاهدی بر این مدعاست.

تصور اینکه در ۲۰ سال آینده با حل‌نشدن مشکل کسری‌های مالی صندوق‌های بازنشتی یک بحران مالی فراگیر در ایران رقم بخورد، و بعد آن بحران مالی به اوج‌گیری گفتمان‌های افراط‌گرا بینجامد و فشار اقتصادی در ترکیب با افراط‌گرایی سیاسی گسل‌های موجود اجتماعی، را در مملکت فعال کند، در چند سال اخیر یکی از کابوس‌های بزرگی

است که بسیاری از پژوهشگرانی که درخصوص مشکلات صندوق‌های بازنشتی مطالعه کرده‌اند، با آن روبه‌رو هستند؛ به عبارت دیگر، من مشکل کسری مالی صندوق‌های بازنشتی را بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت ملی در ایران می‌دانم. از این رو در نظر من این مسئولیت مدنی و اخلاقی نیکخواهان و میهن‌دوستان ایرانی است که امروز با تلاش برای حل اصولی مشکل عدم توازن مالی صندوق‌های بازنشتی، پیشاپیش جلوی بروز بحران اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و واپاشی اجتماعی را در کشور بگیرند. اگر مقررات حاکم بر صندوق‌های بازنشتی و ساختار حکمرانی آنها را اصلاح کنیم، آن‌گاه با تجدید توازن مالی صندوق‌های بازنشتی که متضمن انتقال نقش بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در اقتصاد از بخش دولتی به بخش عمومی خواهد بود می‌توانیم نقطه پایانی بگذاریم بر ناکارایی‌های اقتصاد رانتی در ایران که هزینه گزاف آن را مردم ایران در قالب فقر و رکود و گرانی و بی‌کاری پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، مدعی من این است که با انتقال مسئولیت تأمین مالی برنامه‌های رفاهی در حوزه بازنشتی از بخش عمومی به بخش دولتی و انتقال هم‌زمان مسئولیت تأمین سرمایه در اقتصاد از بخش دولتی به بخش عمومی یک دینامیسم جدید در اقتصاد سیاسی کشور حاکم می‌شود که نتیجه‌اش آغاز صعود پله‌به‌پله ایران از قعر جدول آزادی اقتصادی خواهد بود.

❧ یکی از دلایل عمده مشکلات مالی صندوق‌های بازنشتی، امتناع دولت از پرداخت سهم سه‌درصدی خود است. این مسئله تقریباً در تمامی دولت‌ها وجود داشته است. چه راه‌حلی را برای این